

موسیقی عاشیق‌های آذربایجان

دکتر حمید سفیدگر شهانقی



انستیتوت سوره مهر (وابسته به حوزه هنری)

مرکز موسیقی حوزه هنری



موسیقی عاشیق‌های آذربایجان

دکتر حمید سفیدگر شهانقی

طراح جلد: حبیب ایلون

چاپخانه: چاپ و لیتوگرافی: واژه پردازان اندیشه-چاپ اندیشه

اول: ۱۳۹۳

مبارک: نسخه

شابک: ۹۷۹-۰-۸۰۲۶-۰۰۰۰۰۰۰۰

قیمت: ۱۰۰۰۰

نقل و چاپ نوشته‌ها با هماهنگی به هر شکل: منوط به اجازه رسمی از مرکز موسیقی حوزه هنری

سرشناسه: سفیدگر شهانقی، حمید؛ ۲۴

عنوان و نام پدیدآور: موسیقی عاشیق‌های آذربایجان / حمید

سفیدگر شهانقی؛ [به سفارش: مرکز موسیقی حوزه هنری]

مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۳

مشخصات ظاهری: ۱۸۴ ص.

شابک: ۹۷۹-۰-۸۰۲۶۱۹-۰۰۰۰۰۰۰۰

وضعیت فهرست نویسی: قیفا

موضوع: عاشیق‌لار

موضوع: موسیقی آذربایجانی

شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، مرکز موسیقی

رده بندی کنگره: ۸۱۳۹۱/س۷/۹/ML۲۴۴

رده بندی دیویی: ۷۸۹/۹

شماره کتابشناختی ملی: ۲۸۲۸۲۲۵۰

نشر: تهران، خیابان حافظ، خیابان رشت، پلاک ۲۳

ضدوقی: پستی: ۱۵۸۱۵-۱۱۴۲

تلفن: ۶۱۹۴۲ سامانه پیامک: ۳۰۰۰۵۳۱۹

تلفن مرکز یخسار: (پنج خط) ۶۴۶۶۰۹۹۳ فکس: ۶۴۶۶۹۵۱

www.soremehr.ir

فهرست

مقدمه | ۹

فصل اول (کلیاتی در هنر عاشیقی) | ۱۵

تاریخچه شعر عاشیقی | ۱۷

اتیمولوژی واژه عاشیق | ۲۱

خاستگاه‌های شعر عاشیقی در ایران | ۲۱

فصل دوم (ادبیات عاشیقی) | ۲۳

داستان‌های لیریک و عاشقانه | ۲۶

داستان‌های قهرمانی | ۲۶

انواع شعرهای عاشیقی | ۲۷

فصل سوم (موسیقی عاشیقی) | ۴۵

آلات موسیقایی عاشیقی | ۴۷

قوپوز (ساز) | ۴۷

بالابان | ۵۰

قوال | ۵۵

آهنگ‌های موسیقی عاشیقی | ۵۶

نت‌نگاری آهنگ‌های عاشیقی | ۷۰

آهنگ آياق ديوانی | ۷۱

آهنگ داستانی | ۷۹

آهنگ گوچه گولو | ۸۶

آهنگ منصوری | ۹۳

آهنگ قایتارما | ۱۰۳

آهنگ شاه سئوده‌نی | ۱۱۱

آهنگ عثماني | ۱۲۲

آهنگ شورچالی گوزللمه‌سی | ۱۳۱

آهنگ دوییت | ۱۳۴

آهنگ پیرا ساراسی | ۱۳۷

آهنگ اوور ری فشی | ۱۴۴

آهنگ سمندری | ۱۵۵

آهنگ سلطانی | ۱۶۱

آهنگ واقف گوزللمه‌سی | ۱۶۸

ضمائم | ۱۷۹

کتابنامه | ۱۸۱

مقاله‌نامه | ۱۸۳

مقدمه

فولکلور از اساسی و اصلی‌ترین اصالت فرهنگی محسوب می‌شود. هنر عاشیق‌ی مهم‌ترین و غنی‌ترین شاخه ادبیات شفاهی ملل ترک، از جمله مردم آذربایجان است. برخلاف نظریاتی که عاشیق را با ماهی نارسایی چون: «نوازندهٔ دوره‌گرد»، «مطرب» و... می‌خوانند، عاشیق هنرمندی است که در نثر عربی، آهنگسازی و نوازندگی، خوانندگی و داستان‌سرایی استاد است. به تعبیری عاشیق‌ها نبودند، از فولکلور غنی آذربایجان، به جز چیزهای پراکنده و کم‌موا، هیچ‌می‌ماند. عاشیق‌ها مردمی‌ترین هنرمندانی هستند که با ساز و آواز، و اشعار و داستان‌ها در غم و شادی مردم شریک می‌شوند. آمال و آرزوها، عادت‌ها و باورها، واداد و رسوم مذهبی و ملی مردم طی سالیان دراز، در هنر ارزشمند آن‌ها انعکاس پیدا کرده است. عاشیق‌های استادی چون: «علسگر»، «قشم»، «خسته‌قاسیم» و دیگران در اشعار خود بارها به مفاهیم و مضامین مذهبی اشاره می‌کنند. آن‌ها خود را «حق عاشیقی» و «آلای عاشیق» می‌نامند. هنر عاشیقی کامل‌ترین هنر مردمی در ایران، جمهوری آذربایجان، ترکمنستان، قزاقستان، قرقیزستان، و حتی گرجستان و ارمنستان است. عاشیق هنرمندی است یک‌تنه تار و پود فرهنگ ملی و بومی قوم خود را در هم تنیده و از آن جامه‌ای فاخر پدید آورده است که با گذشت زمان، محافل علمی و آکادمیک جهان بیشتر به اهمیت آن پی می‌برند.

تاریخ مدون و مشخص هنر عاشیقی از زمان شاه اسماعیل صفوی آغاز می‌شود. او، که خود شاعر بوده و «شاه‌خطایی» تخلص می‌کرده، ارادت خاصی به عاشیق‌ها داشته است. از این رو، در این زمان هنر عاشیقی جان تازه‌ای می‌گیرد. سرآمد عاشیق‌های این دوره، «دده قربانی» از نزدیکان دربار شاه اسماعیل، بوده و دیوان شعرش اولین دیوان مدون شعر عاشیقی است. در فاصله سال ۱۴۷۱ (سال تولد عاشیق قربانی) تا سال ۱۹۲۰م (سال درگذشت عاشیق علعسگر، سرحلقه عاشیق‌های معاصر)، هنر عاشیقی هم‌نام با تحولات اجتماعی دستخوش دگرگونی شده و عاشیق‌های بی‌شماری را، مانند عابباس تبریزی، خسته‌قاسیم، واله، ملاجمعه، مسکین اسد، ساری عاشیق، خان‌چویان و حسین وزالقی در دامان خود پرورده است.

عاشیق‌ها در چنین هنر مهارت دارند؛ شعر می‌سرایند، آهنگ می‌سازند، نوازندگی می‌کنند، آواز می‌خوانند، نقاره می‌کنند، و با توجه به حال و هوای مجلس می‌رقصند. نسل قدیم عاشیق‌ها علاوه بر هنرهای مذکور، به اغلب امور دینی و دنیوی مردم همچون طبابت، عقد ازدواج و اخوت، شگویی آینده نیز می‌پرداختند. چنین شخصی را «ائلجه‌بیلن»^۱ می‌گفتند. آخرین نسل‌ها عاشیق «خسته‌قاسیم» (قرن دوازدهم هجری) است که دوازده سال در نجف اشرف فراگیری علوم دینی پرداخت و علاوه بر عاشیقی، در روستای زادگاهش، «تیمه‌دش»^۲ در توابع تبریز، و روستاهای اطراف آن به امور مذهبی مردم رسیدگی می‌کرد. این سلسله این هنرها در کنار هم هنر عاشیقی را شکل می‌دهند؛ اما با گذر زمان و با توجه به شرایط اجتماعی، عاشیق‌ها جایگاه اصلی خود را از دست داده و فقط یک نوازنده و خنجرزن شناخته می‌شوند. عاشیق‌ها را به طور کلی می‌توان به دو دسته تقسیم کرد.

دسته اول عاشیق‌های خلاق و استاد هستند که شعرهای غزل‌سازند، داستان می‌پردازند، آهنگ می‌سازند، و سرودها و ساخته‌های خود و آثار گذشتگان را مهارت تمام اجرا می‌کنند.

۱. elja bilan یعنی کسی که دانسته‌هایش با همه ایل برابر است.



دسته دوم عاشیق‌های حرفه‌ای و ایفاگرند که اشعار و داستان‌های عاشیق‌های استاد را از بر کرده، هنر عاشیقی را فرا گرفته، و به مجالس شادی مردم شور و حرارت می‌بخشند. داشتن صدای خوب، آشنایی با آهنگ‌های عاشیقی، فوت و فن مجلس‌گذاری، و چیرگی در نواختن ساز از عوامل موفقیت و مقبول بودن این عاشیق‌ها به شمار می‌رود.

شناخت و بررسی موسیقی عاشیق‌های آذربایجان، که هدف این کتاب است، در علم موسیقی‌شناسی به رشته «اتنوموزیکولوژی» گرایش پیدا می‌کند. «اتنو» در لغت، به مفهوم قوم یا گروه خاصی از مردم بومی یک منطقه است و در ترکیب با کلمه «موزیکولوژی»، به معنای موسیقی‌شناسی، علمی نسبتاً جدید پدید می‌آورد. هدف اصلی این علم بررسی موسیقی‌نوازی مختلف جهان، ریشه‌یابی، و مطالعه تطبیقی آن است. اساس کار پژوهشگران این علم، آموزش اطلاعات و مدارک، و تدقیق و ترویج موسیقی بومی و سنتی در راستای شناختن فرهنگ و احوال معاصر است. دانش اتنوموزیکولوژی نخستین بار در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم پایه‌گذاری شد و هدف پدیدآوردن‌گان آن مطالعه موسیقی با توجه به بافت‌ها، فرهنگی، مناطق گوناگون بود.

هنر چندوجهی عاشیقی نیز بر موسیقی استوار است و هنرهای دیگری چون: نقالی، شاعری، و رقص حول محور موسیقی ایجا می‌شود. موسیقی عاشیقی دستمایه موسیقی کلاسیک مقامی آذربایجان شده است. آهنگسازان و سازنوازان سنت‌های آذربایجان در آثار خود از موسیقی عاشیقی به فراوانی بهره‌مند شده‌اند.

بر اساس گفته استادان عاشیقی، آهنگ‌های عاشیقی، به اصطلاح «هاوا» نامیده می‌شوند، ۷۲ یا ۷۳ آهنگ هستند؛ اما این تعداد با گذشت زمان در ریف عاشیق‌های دیگر زیاد شده و امروزه به ۱۳۰ تا ۱۴۰ آهنگ رسیده است. بعضی از این آهنگ‌ها در منطقه خاصی مشهور بوده و در آنجا بیشتر اجرا می‌شدند. برخی از آهنگ‌ها در مناطق مختلف به اسامی گوناگون نامیده می‌شوند. از باب مثال، آهنگ «مجلس» عاشیق‌های تبریز در آذربایجان غربی با نام «دستان» مشهور است.

هر عاشیقی ساز خود را هماهنگ با تن صدای خود کوک می‌کند، بدین صورت که اگر صدایش زیل باشد، آن را زیل و اگر بم باشد، آن را بم کوک می‌کند. گفتنی است که بم نواختن و زیل خواندن و یا برعکس زیل نواختن و بم خواندن در میان عاشیق‌ها مردود شمرده می‌شود. آهنگ‌های موسیقی عاشیقی به سه گروه «یوخاری‌ها و الوار» (آهنگ‌های بالا)، «اورتا و الوالا» (آهنگ‌های میانه)، و «آشاغی‌ها و الوار» (آهنگ‌های پایین) تقسیم می‌شوند. اصول مقامی موسیقی عاشیقی مطابق و مبتنی بر وضعیت و امکانات ساز عاشیقی، «قوپوز» نامیده می‌شود، اساس موسیقی عاشیقی دیاتونیک^۱ است. صداهای کرآتیک^۲، گامی شنیده می‌شوند، نقش کمکی ایفا می‌کنند. این موسیقی از حیث مشخصات ملودیک و ریتمیک بسیار غنی و اصولاً بر فرم strophice مبتنی است. همه آهنگ‌های عاشیق دارای مقدمهٔ ابزاری^۳، عنصر میانجی^۴، و فرجام و یا پایانه^۵ هستند. تکرار اوج‌مند صدای کرار^۶ تیوهای موزیکال در واریانت‌های گوناگون، حرکت نزولی ملودی با پرده‌ها، و فرم پایانی^۷ عناصر شخصیتی این موسیقی است. عاشیق‌ها معمولاً در دانگ^۸ بسیار بالا می‌خوانند و بند پایانی^۹ با دانگ پایین خوانده و آخرین نت‌ها را خیلی طولانی اجرا می‌کنند. دیپازون^{۱۰} موسیقی عاشیقی بسیار کوچک و کم‌حجم است. در فصل پایانی کتاب نت تعدادی از آهنگ‌های (آهنگ‌های) موسیقی عاشیقی آورده شده است. این نت‌ها از آن‌جایی که قدیمی‌ترین نت‌های نوشته شده موسیقی عاشیق‌هاست و در اتنوموزیکولوژی آذربایجان و همچنین در تاریخ موسیقی عاشیق‌ها اهمیت ویژه‌ای دارند، عیناً نقل شده‌اند.

۱. Diatonic: چهارپرده

2. chromatic
3. havalar
4. instrumental introduction
5. intermediate
6. finale
7. sequential
8. register
9. cadence

فوکس^۱ معتقد است: «منی توان کتمان کرد که موسیقی محصول و زاییده نوع انسان است»؛ یعنی هر جا که انسان پا گذاشته، موسیقی پدید آمده است. در شرایط اجتماعی نوین، کمتر مناطقی وجود دارد که موسیقی به آن راه نیافته و کمتر زمانی است که هیچ اثر موسیقایی در آن پدید نیامده باشد. جان بلکینگ^۲، اتنوموزیکولوژیست انگلیسی، در مطالعه خود از «آواهای متشکل از انسان‌ها» و «انسان‌های متشکل از آواها» صحبت می‌کند. در مورد نخست، تأکید وی بیشتر بر روی این نکته است که چرا انسان‌ها در سیستم‌های فرهنگی خود به سراغ موسیقی می‌روند؟ پاسخ‌های بسیار متنوعی از مناطق مختلف دنیا به این سؤال داده می‌شود؛ اما در یک پاسخ ساده گفته می‌شود که موسیقی نوایی است که آواهای مختلف تشکیل یافته است؛ آواهایی که انسان طبق هنر، سلیقه، و شرایط خاص به آن تلم داده و ریتم مشخصی را پدید آورده است. کارشناسان موسیقی معتقدند که هر فرهنگی موسیقی خاص خود را می‌طلبد؛ به این معنی که در هر فرهنگی، موسیقی مشخصی به وجود می‌آید. در علم اتنوموزیکولوژی، مطالعه شکل‌گیری موسیقی و زمینه‌های وابسته به آن را مطالعه موسیقی از زمینه‌های داخلی به موارد خارجی» می‌نامند؛ یعنی بررسی ریشه‌ها، شکل‌گیری موسیقی و جریان شکل‌گیری آن از آغاز تا انتها. از سوی دیگر، طبق تقسیم‌بندی «جر بلکینگ»، می‌توان موضوع را از جهت دیگر، یعنی «انسان‌های متشکل از آواها» بررسی کرد. در این کتاب، طبق نظریه «مطالعه موسیقی از زمینه‌های داخلی» به موارد خارجی، ریشه‌های تاریخی و فرهنگی موسیقی عاشیقی و فرایند شکل‌گیری و تکامل آن در طول زمان بررسی می‌شود.

۱. موسیقی‌دان اتریشی Johan Fux.